

## شخصیت پیغمبر اکرم (ص) در سخنان امام علی (ع) .....

نعمت الله یوسفیان

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### چکیده

نوشتار حاضر بر آن است تا گوشه‌ای از ابعاد شخصیت پیامبر (ص) را بر اساس پاره‌ای از سخنان گهربار علوی مطرح نماید. از این رو پس از مقدمه‌ای کوتاه، اصالت خاندان، تربیت الهی، اخلاقیات، زهد و پارسایی، ساده زیستی و... تبیین شده است. همچنین در پایان اشاره‌ای به سنت و سیره پیامبر (ص) گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع)، سیره نبوی.

امام علی (ع) تربیت یافته مکتب پیغمبر اکرم (ص) است و آن حضرت را مقتدای خود می‌دانست که هر روز از اخلاق خویش برای او پرچمی برمی‌افراشت و به پیروی‌اش فرمان می‌داد.<sup>۱</sup>

شخصیت امیر مؤمنان (ع) در مکتب تربیتی پیامبر اکرم (ص) شکل گرفت و در تمام مراحل زندگی آن حضرت را اسوه خویش قرار می‌داد و در عرصه‌های مختلف زندگی به سنت و سیره نبوی استناد و حتی دیگران را به الگوگیری از آن توصیه می‌کرد:

- وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - كَأْفٍ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ.<sup>۲</sup>

- فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأْتَسَى وَ عَزَاءَ لِمَنْ

تَعَزَى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي نَبِيَّهُ وَ الْمُقْتَصِلُ لِأَتْرَبِهِ.<sup>۳</sup>

برای تو بسنده است که رسول خدا(ص) را مقتدا گردانی.  
 از پیامبر پاک و پاکیزه‌ات پیروی کن؛ چراکه شیوه او الگویی است برای آن که بخواهد پیروی کند و انتسابی است (عالی) برای آن کس که بخواهد منسوب به او گردد و محبوب‌ترین بندگان نزد خدا کسی است که از پیامبرش(ص) پیروی کند و دنبال او برود.  
 آنچه در این نوشتار تقدیم علاقه‌مندان می‌شود دانه‌های مرواریدی است از سخنان مولای متقیان علی(ع) درباره شخصیت بی‌نظیر پیغمبر اکرم(ص)، امید آنکه مرضی خداوند متعال قرار گیرد و ما را در پیروی و الگوگیری از ایشان موفق بدارد.

### نسب و خاندان

امیر مؤمنان(ع) در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه درباره اوصاف پیامبران الهی به بحث پرداخته تا نوبت به پیغمبر اکرم(ص) می‌رسد و می‌فرماید:

حَقَّ أَفْضَلُ كِرَامَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْعَادِينَ مَنِيئًا، وَاعْرَ الْأَرْوَامَاتِ مَفْرَسًا، مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَدَعَتْ مِنْهَا أَنْبِيَاءُهُ، وَانْتَخَبَ مِنْهَا أُمَّنَاءُهُ... ٤.

تا اینکه کرامت اعزام نبوت از طرف خدای سبحان به حضرت محمد(ص) رسید. او را از بهترین خاندان و گرامی‌ترین دودمان برگشید؛ از درختی که پیامبران خود را از آن جدا کرد و امینان خویش را برگزید و بیرون آورد.

در جایی دیگر می‌فرماید:

وَ مَنِيئُهُ أَشْرَفُ مَنِيئٍ، فِي مَعَادِنِ الْكِرَامَةِ، وَ مَنَاهِدِ السَّلَامَةِ. ٥

(محل پرورش و) خاندان او شریف‌ترین پایگاه است. در معدن بزرگواری و مهدهای سلامت رشد کرد.

إِخْتَارَهُ مِنَ شَجَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ مِشْكَاتِ الصِّيَاءِ، وَ دُؤَابَةِ الْعَلْيَاءِ. ٦

پیامبر(ص) را از درخت تنومند پیامبران، از سرچشمه نور هدایت، از جایگاه بلند و بی‌همانند برگزید.

أَمْرَتُهُ خَيْرٌ أَمْرَةٍ، وَ شَجَرَتُهُ خَيْرٌ شَجَرَةٍ، أَغْصَانُهَا مُعْتَدِلَةٌ، وَ ثَمَارُهَا مُتَهَدِلَةٌ. ٧

خانواده او نیکوترین خانواده و درخت وجودش از بهترین درختان است که شاخه‌های آن راست و میوه‌های آن نزدیک و در دسترس همگان است.

## تربیت الهی

علی (ع) درباره تربیت الهی پیامبر اکرم (ص) می فرماید:  
وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ نَطِياً أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ  
بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ، وَمَحَاسِنَ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ، لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ.<sup>۸</sup>  
از همان لحظه‌ای که پیامبر (ص) را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ‌ترین فرشته خود (جبرئیل) را  
مأمور تربیت او کرد تا شب و روز، او را به راه‌های بزرگواری، راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند.

## اخلاقیات پیامبر (ص)

امیر مؤمنان (ع) اخلاق رسول خدا (ص) را ستوده:  
أَنَّهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - كَانَ... عَظِيمَ الْخُلُقِ، لَيْنَ الْجَانِبِ.<sup>۹</sup>  
رسول خدا (ص) اخلاقی پسندیده و بزرگ داشت و خوش مجلس بود.  
و این‌گونه او را توصیف می‌کرد:

كَانَ أَجْوَدَ النَّاسِ كَفًّا، وَأَجْرَأَ النَّاسِ صَدْرًا، وَأَصْدَقَ النَّاسِ لَهْجَةً، وَأَوْفَاهُمْ ذِمَّةً، وَأَلْيَهُمْ عَرَبِيَّةً،  
وَأَكْرَمُهُمْ عَشِيرَةً، مَنْ رَأَاهُ بِدَهْنَةٍ هَابَهُ، وَمَنْ خَالَطَهُ مَعْرِفَةً أَحَبَّهُ، لَمْ أَرَ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ مِثْلَهُ  
- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -.<sup>۱۰</sup>

رسول خدا (ص) دست و دل بازترین مردم و با جرات‌ترین آنها بود، آن حضرت از همه مردم  
راستگوتر و باوفا تر، اخلاقی از همه نرم‌تر و برخوردش از همه گرم‌تر بود. در ابتدای امر هر  
کس او را می‌دید از او می‌ترسید و هنگامی که با او نشست و برخاست می‌کرد، جزو  
علاقه‌مندان و دوستان آن حضرت می‌شد، در میان گذشتگان و آیندگان نظیر و همانندی  
برای پیامبر (ص) نیافته‌ام.

## زهد و پارسایی و ساده‌زیستی

چند فراز از سخنان گهربار امام علی (ع) درباره بی‌رغبتی رسول خدا (ص) به دنیا و  
ساده‌زیستی ایشان را با هم می‌خوانیم:

۱. قَدْ حَقَّرَ الدُّنْيَا وَصَغَّرَهَا، وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا، وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَّاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا، وَبَسَطَهَا  
لِغَيْرِهِ اخْتِيَارًا، فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ، وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا عَنْ نَفْسِهِ، وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ  
عَيْنِهِ، لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا، أَوْ يَزْجُوَ فِيهَا مَغَامًا...<sup>۱۱</sup>

دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می شمرد و در نزد دیگران خوار و بی مقدار معرفی فرمود و می دانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او دور ساخت و آن را برای ناچیز بودنش به دیگران بخشید. پیامبر(ص) از جان و دل به دنیا پشت کرد و یاد آن را در دلش میراند. دوست می داشت که زینتهای دنیا از چشم او دور نگه داشته شود، تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد، یا اقامت در آن را آرزو نکند.

۲. روزی آن حضرت (در حجره یکی از زنهاى خود) دید پرده‌ای که در آن تصویرهایی بود، بر در اتاقش آویزان است. همسرش را صدا زد و فرمود:

غَيْبِيهِ عَنِّي فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَ زَخَّارِفَهَا. ۱۲

آن را از نظرم پنهان کن که هرگاه چشمم به آن می افتد، به یاد دنیا و زرق و برقش می افتم.

۳. در عیون اخبار الرضا از امیر مؤمنان(ع) نقل شده که فرمود:

مَا شِيعَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مِنْ خَيْرٍ بِرِّ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ. ۱۳

هرگز نشد که رسول خدا(ص) سه روزی در پی از نان گندم خود را سیر کند تا اینکه از دنیا رحلت فرمود.

۴. علی(ع) در شب شهادتش خطاب به دخترش ام کلثوم فرمود: می خواهم از برادر و پسر عموی خودم رسول خدا(ص) پیروی کنم که:

مَا قَدِمَ إِلَيْهِ إِدَامَانٍ فِي طَبَقٍ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ قَبَضَهُ اللَّهُ. ۱۴

هرگز دو نوع خورش را در یک طبق برای پیامبر نیاوردند تا آنگاه که از دنیا رحلت فرمود.

۵. درباره بی آلاشی و تواضع حضرت فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - إِذَا قَعَدَ عَلَى الْمَائِدَةِ قَعَدَ قَعْدَةَ الْعَبْدِ... ۱۵

هنگامی که رسول خدا(ص) کنار سفره می نشست، همچون بندگان می نشست.

## عرفان و معنویت

در ترسیم برخی از حالات عرفانی و معنوی و خوف و خشیت آن حضرت می فرماید:

۱. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - لَا يُؤْتِرُ عَلَى الصَّلَاةِ عِشَاءً وَلَا غَيْرَهُ، وَكَانَ إِذَا

دَخَلَ وَقْتَهَا كَأَنَّهُ لَا يَعْرِفُ أَهْلًا وَلَا حِمًّا. ۱۶

رسول خدا(ص) هیچ چیزی را از شام و غیر آن بر نماز مقدم نمی داشت و هنگامی که وقت

نماز می شد، گویی هیچ کدام از اهل و عیال و قوم و خویش، دوست و رفیق خود را نمی شناخت.

۲. وَكَانَ يَتَكِي حَتَّى يَبْتَلَّ مُصَلًّا خَشِيَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ غَيْرِ جُزْمٍ.<sup>۱۷</sup>

پیامبر(ص) آنقدر از ترس و خوف الهی می‌گریست که جای نماز آن حضرت خیس می‌گردید، با وجود اینکه گناهی مرتکب نشده بود.

۳. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - لَا يَخْرُجُهُ عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ إِلَّا الْجَنَابَةَ.<sup>۱۸</sup>

هیچ چیز رسول خدا(ص) را از تلاوت قرآن باز نمی‌داشت، مگر حالت جنابت.

۴. درباره سیره آن حضرت در دهه آخر ماه مبارک رمضان می‌فرماید: هنگامی که دهه آخر ماه مبارک رمضان می‌رسید، رسول خدا(ص) رختخواب خود را جمع می‌کرد و کمر به عبادت می‌بست و هنگامی که شب بیست و سوم فرا می‌رسید، خانواده خود را بیدار نگاه می‌داشت و به صورت هر کدام از آنها که خواب بر او غلبه می‌کرد، آب می‌زد.<sup>۱۹</sup> در این دهه برای عبادت مهیا و از خانه خارج می‌شد و در مسجد معتکف می‌گردید و شبها را تا به صبح بیدار بود و عبادت می‌کرد و هر شب، بین نماز مغرب و عشا غسل می‌فرمود.<sup>۲۰</sup>

### جلوه‌هایی از رفتار نبوی

امام علی(ع) می‌فرماید:

۱. هرگز نشد که رسول خدا(ص) با کسی دست بدهد و زودتر از او دست خود را بیرون بکشد تا آن‌گاه که آن طرف، دست خود را رها می‌ساخت.
۲. هرگز نشد که با کسی در نیاز و حاجتی همکاری نماید و قبل از آن شخص، از آن کار پشیمان گردد.
۳. هرگز نشد که کسی با پیامبر آغاز به صحبت نماید و او پیش از طرف مقابل سکوت کند.
۴. دیده نشد که در مقابل کسی پای خود را دراز کند.
۵. اگر ظلمی به آن حضرت می‌شد، در صدد انتقام بر نمی‌آمد، مگر اینکه به محارم الهی توهین می‌شد که در این صورت خشمگین می‌شود و خشمش هم برای خداوند تبارک و تعالی بود.

۶. تا زنده بود در حال تکیه دادن غذا نمی‌خورد.

۷. در مقابل درخواست دیگران هرگز «نه» نمی‌گفت.

۸. هیچ‌گاه حاجت نیازمندی را رد نکرد و تا آنجا که برایش امکان داشت نیاز او را برآورده می‌ساخت و گرنه بازبان نرم و شیرین، او را راضی می‌نمود.
۹. نمازش [با جماعت] در عین اینکه تمام بود و بی هیچ نقصی، ولی کوتاه بود.
۱۰. سخنرانی‌اش، کوتاه‌ترین سخنرانیها بود؛ از بیهوده‌گویی پرهیز داشت.
۱۱. مردم پیامبر را به وسیله بوی خوشی که از ایشان به مشام می‌رسید، می‌شناختند.
۱۲. هرگاه کسی را صدا می‌زد، سه بار صدا می‌زد.
۱۳. هرگاه اجازه ورود [به مکانی] می‌خواست، سه بار تکرار می‌کرد.
۱۴. کلامش چنان روشن بود که هر شنونده‌ای آن را درک می‌کرد.
۱۵. به کسی خیره نمی‌شد.
۱۶. با هیچ کس، سخنی که مورد پسندش نبود، بیان نمی‌کرد.
۱۷. از هیچ خوراکی تعریف یا بدگویی نمی‌کرد.
۱۸. [خلاصه اینکه:] هر کس محضر پیامبر(ص) را درک کرده بود، می‌گفت: تاکنون کسی را مانند او ندیده‌ام. صلوات و درود خدا بر او و خاندانش گرامی‌اش.<sup>۲۱</sup>

### پیامبر(ص) نقطه اتکا و امید

امیر مؤمنان(ع) در هر مناسبتی یادی از گذشته و زمان حضور پیامبر اکرم(ص) در عرصه‌های زندگی داشت. خاطرات مجاهدتهای آن حضرت را در جنگ‌ها، زنده می‌کرد و از بیکار او با دشمنان دین سخن می‌گفت: «و جَاهِدَ فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَاهِنٍ...»<sup>۲۲</sup>؛ «فَجَاهِدَ فِي اللَّهِ الْمُنْذِرِينَ عَنْهُ...»<sup>۲۳</sup>؛ «فَقَاتَلَ بِمَنْ أَطَاعَهُ مِنْ عَصَاءِ»<sup>۲۴</sup> و....

در همه سختیهای دوران جنگ پیامبر(ص) را پناهگاه و محور اتکا می‌دانست و می‌فرمود:

كُنَّا إِذَا أَحْمَرَّ النَّاسُ وَ لَقِيَ الْقَوْمُ الْقَوْمَ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَمَا يَكُونُ أَحَدٌ أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ.<sup>۲۵</sup>

هنگامی که آتش جنگ شعله‌ور می‌گردید و دولشکر مقابل هم قرار می‌گرفتند، ما همگی به رسول خدا(ص) پناه می‌بردیم و کسی نبود که نزدیک‌تر از آن حضرت نسبت به دشمن قرار گرفته باشد.

## سیره تبلیغی

در فرازی از سخنان خود، ترسیمی بسیار زیبا از سیره تبلیغی پیامبر اکرم (ص) دارد که بر مبلغان و روحانیون درس آموز است؛ فرمود:

طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِيْبِهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ، مِنْ قُلُوبٍ عُنِي، وَ آذَانٍ صُمِّ، وَ أَلْسِنَةٍ بَكُم، مُتَّعِبٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْعُقَلَةِ، وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ.<sup>٢٦</sup>

پیامبر (ص) طبیبی است ستیاری برای درمان بیماران، مرهمهای شفا بخش او آماده و ابزار داغ کردن زخمها را گذاخته. برای شفای قلبهای کور و گوشهای ناشنوا و زبانهای لال، آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.

## استناد به سنت و سیره پیامبر

امیر مؤمنان در مناسبتهای گوناگون به سنت و سیره رسول اکرم (ص) استناد می‌کرد و بدین وسیله هم یاد او را همواره در خاطره‌ها زنده نگه می‌داشت و هم سنت و سیره او را در میان مردم ترویج می‌کرد. در نهج البلاغه موارد متعددی از این گونه استنادها وجود دارد که به چند نمونه بسنده می‌کنیم.

۱. در گفتاری به آزمایشهای گوناگون مردم پرداخته و فرازی از سخنان پیامبر

اکرم (ص) را شاهد آورده که می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْقَوْمَ سَيُتَّبِعُونَ بَعْدِي بِأَمْوَالِهِمْ وَ يَمُنُّونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَتَمَنُّونَ رَحْمَتَهُ وَ يَأْتُمُونَ سَطْوَتَهُ وَ يَسْتَحْلُونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَ الْأَهْوَاءِ الشَّاهِيَةِ فَسَيَسْتَحْلُونَ الْفَحْشَ بِالنَّبِيذِ وَ السُّخْتِ بِالْهَدِيَّةِ وَ الرَّبَا بِالْبَيْعِ.<sup>٢٧</sup>

ای علی! مردم با ثروتشان به زودی آزمایش می‌شوند و دیندار بودن را منتی بر پروردگارشان قرار می‌دهند و با این حال، در انتظار رحمت و ایمنی از خشم خدا هستند، حرام خدا را با شبهات دروغین و هوسهای غفلت‌آور، حلال می‌دانند، شراب را به نام «نبیذ» و رشوه را به نام «هدیه» و ربا را به عنوان «تجارت» حلال می‌شمارند.

۲. درباره راه سعادت و شقاوت، پس از تأکید به اطاعت از خداوند و قبول اندرزهای

الهی به گفتاری از پیامبر (ص) استناد کرده می‌فرماید: رسول خدا (ص) همواره می‌فرمود:

إِنَّ الْجَنَّةَ حُفَّتْ بِالْكَارِهِ وَ إِنَّ النَّارَ حُفَّتْ بِالشُّهَوَاتِ.<sup>٢٨</sup>

همانا بهشت در سختی‌ها و ناراحتیها پیچیده شده است و جهنم در لابلای شهوتها و هوسها.

۳. درباره اهمیت نماز و نقش آن در پاکسازی انسان می فرماید:

و شَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - بِالْحَمَمَةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ حَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ.<sup>۲۹</sup>

رسول خدا(ص) نماز را به چشمه آب گرمی که بر در خانه کسی باشد و هر شبانه روز، پنج بار خود را در آن بشوید، تشبیه کرده است که بدون شک، هرگونه چرک و آلودگی از بدن او پاک می شود.

۴. درباره خطر جریان نفاق برای جامعه اسلامی به هشدار رسول اکرم(ص) استشهدا

کرده، می فرماید: رسول خدا(ص) به من فرمود:

إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِكًا، أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَنْتَعَهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ وَ أَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْتَعُهُ اللَّهُ بِشِرْكِهِ وَ لِكَيْتِي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ الْجَنَانِ، عَالِمِ اللَّسَانِ، يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَ يَفْعَلُ مَا تَنْكَرُونَ.<sup>۳۰</sup>

همانا من در مورد امتم نه از مؤمن ترس دارم و نه از مشرک؛ چرا که خداوند مؤمن را به وسیله ایمانش کنترل می کند و مشرک را برای شرکش (توسط مسلمانان) نابود می سازد، ولی ترس من از کسانی است که در دل، منافقند و در زبان، دانا؛ می گویند آنچه را که شما می پسندید و به جا می آورند آنچه را که ناشایست می شمارید.

۵. به مالک اشتر سفارش می کند که نیازمندان را آزاد بگذارد نزد تو بیایند و نگهبانان را از

آنها دور کن تا جلوی آنها را نگیرند؛ به گونه ای که شرایط را نسبت به آنها آزاد کن که آنها بدون

واهمه و لکنت زبان بیایند و نیازهای خود را به تو بگویند؛ چرا که من بارها از رسول

خدا(ص) شنیدم که می فرمود: **لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَّعِجٍ.**<sup>۳۱</sup>

ملتی که حق مستضعفان را از زورمندان با صراحت و قاطعیت نگیرد هرگز پاک و مقدس نخواهد بود.

### پی نوشتها:

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲۳۴.

۲. همان، خطبه ۱۵۹.

۳. همان.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۴. همان، خطبه ۹۳.
۵. همان، خطبه ۹۵.
۶. همان، خطبه ۱۰۷.
۷. همان، خطبه ۱۶۰.
۸. همان، خطبه ۲۳۴.
۹. سنن النبی، ترجمه عباس عزیزی، ص ۳۸۷.
۱۰. همان، ص ۷۰.
۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.
۱۲. همان، خطبه ۱۵۸.
۱۳. سنن النبی (ص)، ص ۲۳۴.
۱۴. همان، ص ۲۳۶.
۱۵. همان، ص ۲۱۵.
۱۶. همان، ص ۲۲۴-۳۲۶.
۱۷. همان، ص ۶۸.
۱۸. همان، ص ۳۷۰.
۱۹. همان، ص ۳۵۷.
۲۰. همان، ص ۲۸۹.
۲۱. همان، ص ۸۳-۸۷.
۲۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴.
۲۳. همان، خطبه ۱۳۳.
۲۴. همان، خطبه ۱۰۲.
۲۵. سنن النبی، ص ۵۸.
۲۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷.
۲۷. همان، خطبه ۱۵۵.
۲۸. همان، خطبه ۱۷۵.
۲۹. همان، خطبه ۱۹۰.
۳۰. همان، نامه ۲۷.
۳۱. همان، نامه ۵۳.